

حدیث قوم روح الله

عبدالله بن شریک از امام باقر (ع) نقل می‌کند: «أَقْبَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَالزُّبَيْرُ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ جَلَسُوا بِفَنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَخَرَجَ إِلَيْهِمُ النَّبِيُّ (ص)، فَجَلَسَ إِلَيْهِمْ، فَأَنْقَطَعَ شِسْعُهُ فَرَمَى بِنَعْلِهِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَن يَمِينِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْ عَن يَمِينِ الْعَرْشِ قَوْمًا مِّنَّا عَلَى مَنَابِرٍ مِّنْ نُورٍ وَجُوهُهُمْ مِّنْ نُورٍ وَثِيَابُهُمْ مِّنْ نُورٍ تَغْشَى وَجُوهَهُمْ أَبْصَارَ النَّاطِرِينَ دُونَهُمْ. قَالَ أَبُو بَكْرٍ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ، فَقَالَ الزُّبَيْرُ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ، فَقَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَسَكَتَ، فَقَالَ عَلِيُّ (ع): مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: هُمْ قَوْمٌ تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أُنْسَابٍ وَلَا أَمْوَالٍ أَوْلَيْكَ شِيعَتُكَ وَأَنْتَ إِمَامُهُمْ يَا عَلِيُّ!»^۱

ابوبکر و عمر و زبیر و عبدالرحمن بن عوف نزد پیامبر خدا (ص) آمدند و در پیشگاه و آستانه در خانه پیامبر خدا (ص) نشستند پیامبر بر آنان وارد شد و کنارشان نشست بند نعلین کفش پیامبر پاره شد پس آنرا به علی بن ابی طالب رساند که اصلاح کند؛ سپس گفت: همانا از طرف راست خدا یا از طرف راست عرش خدا قومی از ما بر می‌خیزند که بر منبرهایی از نور قرار دارند، چهره‌هایشان از نور و لباس‌هایشان نیز از نور است، صورت‌هایشان بر چشم‌کنندگان غیر خودشان پرده می‌اندازد (نور صورتشان چشم بینندگان را خیره می‌کند). ابوبکر گفت: ای رسول خدا آنان چه کسانی‌اند؟ پیامبر سکوت کرد؛ زبیر گفت: ای رسول خدا آنان چه کسانی‌اند؟ پیامبر ساکت ماند؛ عبدالرحمن گفت: ای رسول خدا آنان چه کسانی‌اند؟ پیامبر سخن نگفت؛ سپس علی (ع) گفت: ای رسول خدا آنان چه کسانی‌اند؟ پیامبر فرمود: آنان قومی‌اند که بدون نسبت‌های خانوادگی و اموال و منافع مالی به وسیله روح الله به یکدیگر محبت می‌ورزند و دوست هم می‌گردند، آنان شیعه تو هستند و تو امام آن‌ها هستی ای علی!

اعتبار سند حدیث امام باقر علیه السلام

نخستین منبع موجود برای این حدیث کتاب «بشارة المصطفى (ص) لشيعة المرتضى (ع)»، از امام عمادالدین ابوجعفر محمدبن ابی القاسم علی بن رستم بن یزدبان طبری آملی است. همان‌طور که از نام کتاب به دست

^۱ . طبری، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، الجزء الرابع، ص ۲۵۷ و ۲۵۸، حدیث ۶۱؛ مجلسی، ج ۶۸، ص ۱۳۹.

می‌آید و مؤلف هم در مقدمه آن بیان کرده است این کتاب به تعریف شیعه و مراتب و درجات و فضائل و اوصاف شیعه و حقوق و کرامات اولیاء و امامان شیعه (ع) اختصاص دارد.^۲ طبری در این کتاب احادیث را با ذکر سند کامل از روایانی که همه از ثقات آورده است و همه احادیث آن مسند می‌باشد. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد: لا اذکر فیہ الا المسند من الاخبار عن المشایخ الکبار و الثقات الأخیار.^۳

شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ ه.ق) و فرزند او از مشایخ و اساتید عمادالدین طبری بوده‌اند و طبری در این کتاب از آنان حدیث نقل کرده است.^۴ شیخ آقابزرگ تهرانی در کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» و «طبقات اعلام الشیعه» طبری را دانشمند جلیل و فقیه و ثقه معرفی می‌کند.^۵

عبدالله بن شریک عامری کیست؟

راوی حدیث از امام باقر (ع) عبدالله بن شریک عامری است. او فقیهی شیعی از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده است. شیخ طوسی در رجالش او را از اصحاب این دو امام می‌داند و می‌نویسد: روی عنهما.^۶ نجاشی او را از اصحاب امام سجاد (ع) و امام باقر (ع) می‌شمارد و می‌نویسد: «کان عندهما وجیهاً مقدماً».^۷ گزارش کتاب‌های رجال شیعه حاکی از آن است که عبدالله بن شریک عامری ثقه و مورد اعتماد می‌باشد و حدیث او صحیح است. او از اصحاب سه امام بوده و امام کاظم (ع) و امام صادق (ع) و امام باقر (ع) وی را ستوده‌اند. چنین شخصیتی حدیث «قوم تحابوا بروح الله» را از امام باقر (ع) نقل کرده است. اسباط بن سالم گفته است امام موسی بن جعفر (ع) فرمود: اذا کان یوم القیامه نادى مناد این حواری محمد بن عبد الله رسول الله الذین لم ینقضوا العهد و مضوا علیه ... ثم ینادی این حواری محمد بن علی و حواری جعفر بن محمد فقوم عبدالله بن شریک العامری...^۸ به گزارش علی بن مغیره از امام باقر (ع) عبدالله بن

^۲ . طبری، ۱۴۲۵، ص ۱۷.

^۳ . طبری، ۱۴۲۵، ص ۱۸.

^۴ . مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۱۰، ص ۴۶.

^۵ . آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۳، ص ۱۱۷؛ طبقات اعلام الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۲.

^۶ . طوسی، رجال الطوسی، ج ۱، ص ۲۶۵ و ۵۲۴.

^۷ . نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، ج ۱، ص ۲۳۴.

^۸ . کشی، رجال الکشی، ج ۱، ص ۱۰.

شریک عامری رجعت دارد و از یاران قائم اهل بیت (ع) خواهد بود.^۹ ابو خدیجه جمال گفته است: شنیدم امام صادق (ع) فرمود: «أَنْتِي سَأَلْتُ اللَّهَ فِي إِسْمَاعِيلَ أَنْ يَبْقِيَ بَعْدِي قَائِمٌ وَلَكِنْ قَدْ أَعْطَانِي فِيهِ مَنزِلَةً أُخْرَى إِنَّهُ يَكُونُ أَوَّلَ مَنْشُورٍ فِي عَشْرَةِ مَنْ أَصْحَابِهِ وَمِنْهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَرِيكٍ وَهُوَ صَاحِبُ لُؤَائِهِ»^{۱۰}، من از خدا خواستم که (فرزندم) اسماعیل را پس از من باقی گذارد خدا نخواست اما درباره او مقام دیگری به من عطا کرد که او اول کسی است که با ده نفر از یارانش که از جمله عبدالله بن شریک است از قبر بیرون می‌آیند و عبدالله پرچمدار و صاحب لواء اوست. آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خویی این حدیث را صحیح می‌داند.^{۱۱}

حدیث در منابع اهل سنت

جمله «قوم تحابوا بروح الله» یا «یتحابون بروح الله» در منابع حدیثی اهل سنت فراوان آمده است. در سنن ابو داوود^{۱۲}، و سنن نسائی^{۱۳} و جامع البیان عن تأویل آی القرآن ابن جریر طبری^{۱۴} در قرن سوم و آغاز قرن چهارم هجری قمری حدیث قوم تحابوا بروح الله وجود دارد. متن این حدیث با تفاوت‌هایی در برخی کلمات و جملات از عمر بن خطاب و ابوهریره و ابومالک اشعری از اصحاب پیامبر به صورت مسند و از هجویری به صورت مرسل از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است.

نقل عمر بن خطاب

متن حدیث به نقل از عمر بن خطاب با سندی که نزد اهل سنت صحیح می‌باشد چنین است: قال النبی (ص):
 إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَأَنَاسًا مَا هُمْ بِأَنْبِيَاءٍ وَلَا شُهَدَاءَ يَغْبِطُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَكَانِهِمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى، قَالُوا:
 يَا رَسُولَ اللَّهِ تُخْبِرُنَا مَنْ هُمْ؟ قَالَ: هُمْ قَوْمٌ تُحَابُوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أَرْحَامٍ بَيْنَهُمْ وَلَا أَمْوَالٍ يَتَعَاطَوْنَهَا فَوَاللَّهِ إِنَّ
 وَجُوهَهُمْ لِنُورٍ وَإِنَّهُمْ عَلَى نُورٍ لَا يَخَافُونَ إِذَا خَافَ النَّاسُ وَلَا يَحْزَنُونَ إِذَا حُزِنَ النَّاسُ وَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ: «أَلَا إِنَّ

^۹ . همان، ج ۲، ص ۱۶۵.

^{۱۰} . کشی، ج ۱، ص ۳۱۷؛ شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۲، ص ۲۳۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۶.

^{۱۱} . موسوی خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۲۱۹.

^{۱۲} . حافظ ابو داود سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابوداود، ج ۳، ص ۲۸۸.

^{۱۳} . ابوعبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، ج ۱۰، ص ۱۲۴.

^{۱۴} . طبری، جامع البیان، ج ۱۲، ص ۲۱۱.

أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^{۱۵}، پیامبر اکرم (ص) فرمود: از بین بندگان خدا انسان‌هایی هستند که آنان از پیامبران و شهیدان نیستند، اما پیامبران و شهیدان روز قیامت برای جایگاه بلند آنان نزد خدای تعالی غبطه می‌خورند. گفتند: ای پیامبر خدا به ما خبر بده آنان چه کسانی‌اند؟ گفت: آنان قومی‌اند که با روح الله به یکدیگر محبت می‌ورزند بدون اینکه رحم‌هایی بین آنان باشد و نه اموالی که آن را به دست آورند. پس به خدا سوگند چهره‌های آنان نور است و آنان بر نورند زمانی که مردم بترسند نمی‌ترسند و زمانی که مردم اندوهگین شوند اندوهگین نمی‌شوند. پیامبر اکرم (ص) آن گاه این آیه را خواند: آگاه باشید دوستان و اولیای خدا، نه ترسی دارند و نه غمگین می‌شوند^{۱۶}.

بررسی محتوای حدیث

جمله «قوم تحابوا بروح الله» هم در نقل‌های اهل سنت وجود دارد و هم در نقل‌های شیعه آمده است. بنابراین در صدور جمله «قوم تحابوا بروح الله» از پیامبر اکرم بین شیعه و عامه اجماع و اتفاق نظر وجود دارد. این اجماع، صدور حدیث «قوم تحابوا بروح الله» را تأیید و تأکید می‌کند و درستی و حقانیت حدیث را ثابت می‌نماید.

کلمه «قوم» در حدیث به معنای گروه و جماعت مردم یک سرزمین است. «تحابوا» از باب تفاعل (ثلاثی مزید) است و فعل در این باب طرفینی و متقابل بودن و اشتراک و همکاری و تفاهم و تعاون و مطاوعه و تدریج را می‌رساند. جمله «تحابوا» نشان دهنده این واقعیت است که روح الله نام یک انسان است و صفت نمی‌باشد، زیرا به طور معمول محبان با یک فرد محبوب گردهم می‌آیند و قوم را تشکیل می‌دهند. آن قوم با تمسک به شخص «روح الله» همدیگر را دوست می‌دارند و با هم همکاری می‌کنند. تحابب محور محبوبیت می‌خواهد و «روح الله» آن شخصیت است که قوم با توجه به او و هدایت او یکدیگر را دوست خواهند

^{۱۵} . حافظ ابو داود سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابو داود، ج ۳، ص ۲۸۸؛ ابن جریر طبری، جامع البیان ج ۱۲، ص ۲۱۱؛ ابو نعیم اصفهانی، حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، ج ۱، ص ۵؛ نمری قرطبی، التمهید لما فی الموطأ عن المعانی و الاسانید، ج ۱۷، ص ۴۳۶؛ سمعانی، تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۳۹۳؛ ابن عطیه اندلسی، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ج ۳، ص ۱۲۸؛ ابن قیم جوزی، روضة المحبین و نزهة المشتاقین، ج ۱، ص ۴۱۴؛ خازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج ۲، ص ۴۵۰؛ شوکانی، الفتح الریانی من فتاوی الامام الشوکانی، ج ۱، ص ۴۱۶ * سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۳، ص ۱۵۴۹؛ هجویری، کشف المحجوب، ص ۲۶۸؛ و دیگران.

^{۱۶} . سوره یونس، آیه ۶۲.

داشت. در تحابوا محبت طرفینی و متقابل است بنابراین محبت قوم به هم و به روح الله و محبت روح الله به قوم در تحابب جریان دارد و این قرینه‌ای است بر این که «روح الله» نام شخص است.

جمله «علی غیر انساب و لا اموال» انگیزه و جهت‌گیری محبت را آشکار می‌سازد. محبت این قوم نسبت به یکدیگر بر مدار مسائل دنیوی نیست براساس خویشاوندی و نسبت خانوادگی و قبیله‌ای و نژادی و براساس پول و ثروت و منافع مادی نیست. در اینجا دوست داشتن یکدیگر فراتر از مرزهای ملی‌گرایی و مادی‌گرایی است. مردم با عشق به شخصیت خاص و پذیرش اسوه، به قوم با محبت به یکدیگر تبدیل می‌شوند و روح الله همان شخصیتی است که این قوم با گرایش به او تحابب می‌یابند.

جمله «هم شیعتک و انت امامهم یا علی» این حقیقت بیان می‌کند که قوم روح الله «شیعه» علی بن ابی‌طالب (ع) بوده و حضرت علی (ع) «امام» آن قوم است. شیعه و امام دو وصف «قوم روح الله» است. قوم روح الله در بردارنده مجموعه امتیازات مذکور در این حدیث می‌باشند. در واقع موصوف این صفات قومی است که بر محور شخصیت روح الله قوم شده‌اند و روح الله مرد بزرگ الهی است که مردم بدون دلیل نژادی و منافع اقتصادی، و فقط برای خدا به واسطه او به یکدیگر محبت می‌روزند و گرد هم می‌آیند و قدرت بزرگ جهانی می‌شوند. این ویژگی‌ها شاهد آشکاری بر این است که روح الله در حدیث امام باقر (ع) اسم شخص است.

احتمالات در خصوص واژه روح الله

این احتمال که کلمه محل بحث «روح الله» بافته راء باشد، احتمال قابل قبولی نیست، زیرا اگر چنین بود بهتر و رساتر این بود که به جای روح الله، قوم تحابوا برحمة الله به کار می‌رفت و سخن گفتن از آینده و قیامت ضرورت نداشت. در همان زمان و عصر نبوی دوست‌داران یکدیگر با رحمت خدا وجود داشته‌اند. اما حدیث از آینده خبر می‌دهد و روح الله نام شخصی است که در آن عصر وجود نداشته است و در آینده در جهان اسلام ظهور خواهد کرد.

احتمال آنکه روح الله همان عیسی مسیح باشد نیز به هیچ وجه قابل قبول نیست، زیرا عیسی مسیح قبل از آن تاریخ بوده و در عرف بیانی به قوم عیسی شیعه اطلاق نشده است؛ ضمن آنکه رجعت حضرت عیسی پس از ظهور امام عصر (عج) نیز او را محور شیعیان قرار نمی دهد، بلکه در عصر ظهور نیز حضرت ولی عصر (عج) محور شیعیان و حتی رجعت کنندگان خواهند بود.

احتمال اینکه منظور از روح الله همان روح الهی باشد که قرآن کریم در خلقت آدم از آن سخن گفته است: «و نفختُ فیهِ من روحی»، نیز به هیچ وجه قابل قبول نیست، زیرا این روح در همه آدمیان وجود دارد و اختصاص به شیعه ندارد.

منظور از روح الله در این روایت کیست؟

با توجه به اینکه: ۱- روح الله نام شخص است، ۲- او و قومش از شیعیان علی بن ابیطالب هستند، ۳- پس از عصر پیامبر (ص) می آیند، ۴- در میان فقیهان و عالمان ربانی شیعه تا عصر ما هیچ شخصی به این نام وجود نداشته، و ۵- اجتماعی با ویژگی های شمرده شده در روایت برگرد هیچ شخصی در تاریخ شیعه به جز انقلاب اسلامی ایران دیده نمی شود، به نظر می رسد «روح الله» در این روایت بر امام روح الله خمینی و «قوم تحابوا بروح الله» بر مردم ایران در انقلاب اسلامی قابل تطبیق است. امروز ایران پایگاه بزرگ و ام القرای اسلام ناب محمدی (ص) و مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (ع) در جهان است و روح الله خمینی بنیانگذار نخستین حکومت اسلامی در تاریخ سیاسی معاصر است. مردم سرزمین ایران یاران روح الله خمینی با اطاعت از ولایت فقیه با یکدیگر محبت و وحدت پیدا کردند و بر امامت و ولایت امام علی (ع) و فرزندان معصوم آن حضرت پایداری و استقامت ورزیدند. امروز همه جهانیان شاهد تحقق پیشگویی پیامبر اکرم (ص) در ایران اسلامی هستند و این یک معجزه است.

مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در باره این روایت و خاطره خود از قرائت آن در محضر امام خمینی چنین می‌گویند:

«یک کتابی است به نام «کشف المحجوب» یک نفر از آقایان که با این کتاب آشنا بود، آمد به ما گفت: صفحه چند این کتاب را بیاور، یک روایتی هست آن را بخوان. ما باز کردیم، دیدیم عجب روایتی است. روایتش این بود که پیغمبر اکرم به اصحاب خودش خبر می‌داد که در آینده کسانی می‌آیند که این طورند، که از جمله این بود که «تُحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ» به روح خدا با یکدیگر تحبب می‌جویند، همدیگر را دوست می‌دارند، به برکت روح خدا «تُحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ» ما از این خیلی خوشمان آمد و گفتیم که برویم سر نماز جمعه این را بخوانیم. یک هفته که یادم رفت کتابش را ببرم. یک هفته کتابش را بردم، بردم بالا، خطبه تمام شد. یک وقت دیدم که خطبه تمام شده، کتاب دست من است، نخواندم. بعد هم دیگر همین طور نخواندیم، نخواندیم، تا اینکه دیگر از نماز جمعگی هم افتادیم. این حدیث خیلی حدیث جالبی است. بردم حدیث را خدمت امام یک وقتی، برای خود امام هم حدیث را خواندم. البته ایشان نه رد کردند، نه اثبات کردند که معنایش این است؛ همین طور گوش کردند و یک تبسمی کردند. «تُحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ» به هر حال اینجا هم که «وَأَيُّدُهُمْ بِرُوحِ اللَّهِ» خدا به روحی از خودش آنها را تأیید می‌کند. خب، امام ما هم روح الله است دیگر؛ مصداق روح الله است، اسمش هم روح الله است»^{۱۷}.

^{۱۷}. مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، عبدصالح خدا، پرسش‌هایی از زندگی و سیره مبارزاتی امام خمینی، بیانات آیت الله خامنه‌ای، ص ۱۵۶.